

Comparative Analysis of One Poem of Rumi's *Masnavi* and its English Translation Based on the Theory of Cohesion of Halliday and Hasan

Zohreh Asoudeh^{*}, Marziye Sanaati^{}**

Tahereh Ishani^{*}, Fatemeh Seyyed Ebrahimi Nejad^{****}**

Abstract

The authors used a descriptive-analytical and statistical method based on Cohesion Theory of Halliday and Hassan (1985). they aimed to compare the application frequency of grammatical and lexical cohesion factors and the degree of cohesion and coherence in an eight-couplet poem from the first book of Rumi's *Masnavi* and its English translation and answer the following questions:

1. According to the cohesion theory of Halliday and Hasan, what is the degree of cohesion and coherence in this poem of Rumi's *Masnavi* and its translation? how are the cohesion factors distributed?

* PhD Student of Linguistics, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran,
z.asude52@gmail.com

** Assistant Professor of Linguistics, Research Institute of Cultural Heritage and Tourism, Research Center for Linguistics, Inscriptions and Texts, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran (Corresponding Author), m.sanaati@richt.ir

*** Associate Professor of Persian Language and Literature, Institute for Humanities and Cultural Studies, Faculty of Language and Literature, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran, tahereh.ishany@gmail.com

**** Assistant Professor of English Language Department, Islamic Azad University, Sirjan Branch, Sirjan, Islamic Azad University, North Tehran Branch, Tehran, Iran,
fatemeh.seyedebrahimi@iau.ac.ir

Date received: 2021/07/26, Date of acceptance: 2021/11/11



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

2. considering the comparative analysis of the frequency of cohesion and coherence in the source and target texts, to what extent has the translator been successful in transferring the concepts?

based on Halliday's model, the frequency of lexical and grammatical cohesion factors and percentage of cohesion and coherence in the poems were calculated. Considering Halliday's Approach of Equivalence in Translation, closeness of cohesion (94.6% , 96.4%) and coherence percentages (92.8% , 91%) in two texts as well as similarity of the distribution of cohesion factors, which were very close together, except in equivalence and synonymy factors, can demonstrate the translator success in reproducing style and meaning of the source text.

Keywords: Coherence, Cohesion, Functional Linguistics, Poetry Translation of Mojaddedi, Rumi's Masnavi.

تحلیل مقایسه‌ای شعری از مثنوی مولوی با ترجمه انگلیسی آن براساس نظریه انسجام هلیدی و حسن

زهرة آسوده*، مرضیه صنعتی**

طاهره ایشانی***، فاطمه سیدابراهیمی نژاد****

چکیده

این پژوهش براساس نظریه انسجام هلیدی و حسن (Halliday and Hasan 1985) و با روش توصیفی - تحلیلی و آماری انجام شده است. هدف نگارندگان این است که در چهارچوب فراتش متنی هلیدی به بررسی مقایسه‌ای کاربست عوامل انسجام متنی و میزان انسجام و پیوستگی در متون شعری هشت بیتی از دفتر اول مثنوی مولوی و ترجمه انگلیسی جاوید مجلیدی بپردازند و به سؤالات زیر پاسخ دهند:

۱. براساس نظریه انسجام هلیدی و حسن (Halliday and Hasan 1985)، میزان انسجام و پیوستگی در این شعر مثنوی مولوی و ترجمه آن چه قدر است و چگونه به کار رفته است؟
۲. باتوجه به تحلیل مقایسه‌ای بسامد انسجام و پیوستگی در دو متن مبدأ و مقصد، مترجم تا چه حد در انتقال مفاهیم موفق بوده است؟

* دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، واحد تهران - شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
z.asude52@gmail.com

** استادیار زبان‌شناسی، پژوهشکده زبان‌شناسی، کتبه‌ها و متون، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری،
واحد تهران - شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،
m.sanaati@richt.ir

*** دانشیار ادبیات، پژوهشکده زبان و ادبیات، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، واحد
تهران - شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران،
tahereh.ishany@gmail.com

**** استادیار گروه زبان انگلیسی، واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، واحد تهران - شمال،
دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران Fatemeh.seyedebrahimi@iaua.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۰



به‌این‌منظور، مطابق مدل هلیدی، بسامد عوامل انسجام‌واژگانی و دستوری و درصد‌های انسجام و پیوستگی در اشعار محاسبه شد. براساس «تبادل نقش‌بنیاد هلیدی در ترجمه»، نزدیکی درصد‌های انسجام (۹۶/۴ درصد و ۹۶/۶ درصد) و پیوستگی (۹۲/۸ درصد و ۹۱ درصد) در دو متن و نیز شباهت نحوه توزیع عوامل انسجام در آن‌ها، که به‌جز در عوامل برابری و هم‌معنایی بسیار نزدیک به هم بودند، می‌تواند نشان‌دهنده تبعیت مترجم از سبک متن مبدأ در انتقال مفاهیم متن مبدأ از طریق ترجمه باشد.

کلیدواژه‌ها: انسجام، پیوستگی، ترجمه منظوم مجدیدی، زبان‌شناسی نقش‌گرا، مثنوی مولوی.

۱. مقدمه و بیان مسئله

در دنیای مدرن امروزی، ارتباطات زیاد و پیش‌رفت روزافزون تکنولوژی و دانش، بشر را ناگزیر می‌کند برای درک دانش و فرهنگ مردم کشورهای دیگر و توانایی برقراری ارتباط با آن‌ها از ترجمه بهره بگیرد. از آن‌جاکه هدف از ترجمه انتقال معنا به متن مقصد و از آن به مخاطب است، همیشه مسئله اساسی این بوده است که مترجم تا چه حد توانسته از عهده انتقال معنا در ترجمه برآید؟ و اساساً بخش عمده‌ای از فرایند مقابله متن اصلی با متون ترجمه بدین منظور صورت می‌گیرد که آیا کارکرد (نقش) متن مبدأ در نظام مقصد نیز حفظ شده است یا خیر؟ و اگر پاسخ مثبت است، به چه میزان؟ گاهی، پس از بررسی مقایسه‌ای، ناهم‌خوانی‌هایی در دلالت عناصر متون مبدأ و مقصد در سطوح گوناگون مشاهده می‌شود. با توجه به این مسئله اساسی، یافتن راه‌کاری زبان‌شناختی، که مترجم بتواند با لحاظ کردن چهارچوب علمی آن و با تمرکز بر لایه‌های مختلف معنا، در انجام‌دادن رسالت انتقال معنا موفق‌تر باشد، حائز اهمیت است.

نظریه نقش‌گرایی مایکل هلیدی (M. A. K. Halliday)، با توجه خاص روی سه لایه مختلف معنا، یعنی معنای اندیشگانی (ideational)، بینافردی (interpersonal)، و متنی (textual)، برای تحلیل متن و در نتیجه برداشت و درکی صحیح از متن و انتقال دقیق‌تر معنای زبان مبدأ به زبان مقصد توسط مترجم نظریه‌ای کارآمد است و بررسی مقابله‌ای ترکیب‌های ساختاری مرتبط با فرانش‌های هلیدی در متن مبدأ و مقصد این امکان را به مترجم می‌دهد تا چگونگی انتقال معنا در سطح لایه‌های مختلف معنا را تحلیل کند.

در کار عملی ترجمه، مفهوم تعادل (equivalence) مفهومی بنیادی است. در سراسر تاریخ ترجمه و نیز در عصر حاضر، هدف مترجمان، به‌ویژه مترجمان ادبی، این بوده است که متن اصلی را به متنی برگردانند که بین این دو متن رابطه تعادل برقرار باشد؛ اگرچه

تحلیل مقایسه‌ای شعری از مثنوی مولوی با ... (زهره آسوده و دیگران) ۵

تعریف ترجمه براساس رابطه تعادل از نظر مترجمان و عامه مردم بسیار بدیهی و ضروری است، محققان ترجمه درباره این مفهوم دیدگاه‌های گوناگونی دارند. یاکوبسن (Jacobson) برای اولین بار به موضوع تعادل در ترجمه پرداخت (Munday 2016: 27). طبق نظر یاکوبسن، پیام متن مبدأ و مقصد یکسان نیست، زیرا به دو نظام رمزگذاری زبانی متفاوت متعلق‌اند که واقعیت را به گونه‌ای مختلف ابراز می‌کنند. او، به‌طور خاص، به این نکته پرداخته است که در ترجمه درون‌زبانی نیز تعادل کاملی از طریق ترادف به‌وجود نخواهد آمد. این دیدگاه یاکوبسن با عدم رابطه ذاتی بین دال و مدلول هم‌پوشانی دارد، زیرا سوسور بر آن است که رابطه دال و مدلول قراردادی است و نه ذاتی. هلیدی مفهوم معادل در ترجمه را زیر سؤال می‌برد و می‌پرسد: معادل باتوجه‌به چه چیزی؟ به‌نظر وی، باید معادل را باتوجه‌به فرانش‌های اندیشگانی، بینا‌فردی، و متنی تعریف کرد (خان‌جان ۱۳۹۳: ۱۲۷). رویکرد نقش‌بنیاد هلیدی به مسئله معادل در ترجمه روش مفیدی برای تحلیل ساختارهای زبان‌شناختی و معنای متن در مطالعات ترجمه‌شناسی محور محسوب می‌شود (ibid.: 101).

از سوی دیگر، مثنوی مولوی از مفاخر بزرگ ادبی و بخشی از میراث فرهنگی کشورمان است که همیشه مورد توجه مستشرقان و علاقه‌مندان عرفان ناب ایران در جهان بوده است. مثنوی مولوی، که مجموعه‌ای از شش جلد شعر مولانا است، به سبک تعلیمی و هم‌چون دریایی از معرفت درباره موضوعات مختلف عرفان و عشق سروده شده و از قرن هجدهم میلادی تاکنون بارها به زبان‌های مختلف، به‌ویژه زبان انگلیسی، ترجمه شده و روند ترجمه آن در دو دهه اخیر شتاب بیش‌تری به خود گرفته است؛ چنان‌که هم از لحاظ کمیت و کیفیت هم از جهت طیف وسیع علاقه‌مندان و شیفتگان مولانا در اقصی نقاط جهان جایگاهی منحصر به فرد یافته است (طاهری و دیگران ۱۳۹۲: ۱). هرچه ترجمه این‌گونه متون و انتقال مفاهیم آن‌ها با کیفیت بهتری انجام گیرد، در شناسایی ادبیات فاخر کشورمان به هم‌نوعان خود موفق‌تر خواهیم بود. بنابراین، انجام‌دادن این قبیل پژوهش‌ها، برای دستیابی به روابطی موفق‌تر با جوامع دیگر، ضروری به‌نظر می‌رسد. یکی از جدیدترین ترجمه‌های مثنوی ترجمه منظوم مجدّی است که، در عین رعایت امانت و انتقال حداکثری مفاهیم مثنوی، به‌دلیل رعایت اسلوب شاعرانه ارتباط بهتری بین مولانا و مخاطب انگلیسی‌زبان برقرار می‌کند.

نگارندگان در این پژوهش قصد دارند تا در چهارچوب زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و متیسن (Matthiessen)، تحلیل فرانش متنی، و براساس نظریه تکامل یافته انسجام هلیدی و حسن (Hasan) به بررسی مقایسه‌ای کاربست عوامل انسجام متنی، میزان انسجام

(cohesion)، و پیوستگی (coherence) در متون شعری با نام «خلیفه که در کرم در زمان خود از حاتم طایی گذشته بود و نظیر خود نداشت»، از دفتر اول مثنوی مولوی و ترجمه انگلیسی آن از مجدّی^۱ (Maulana 2004) پردازند و از دیدگاه تعادل نقش‌بنیاد یا تحلیل سیاق (register analysis) کلام هلیدی در ترجمه به‌عنوان روشی جهت بررسی وضعیت ترجمه انگلیسی این شعر بهره‌گیرند و در این زمینه به سؤالات زیر پاسخ دهند:

۱. براساس نظریه انسجام هلیدی و حسن (Halliday and Hasan 1985)، میزان انسجام و پیوستگی در این شعر مثنوی مولوی و ترجمه آن چه‌قدر است؟ و چگونه به‌کار رفته است؟
۲. باتوجه‌به تحلیل مقایسه‌ای بسامد انسجام و پیوستگی در دو متن مبدأ و مقصد، مترجم تا چه حد در انتقال مفاهیم موفق بوده است؟

هنگامی که یک شاعر مفهومی را در قالب واژه‌ها و جمله‌ها بیان می‌کند، درصدد ایجاد متنی یک‌پارچه و منسجم است. پیوستگی و انسجام متن فقط در صورتی محقق خواهد شد که میان همه عناصر سازنده متن تناسب و پیوستگی برقرار باشد؛ در غیراین صورت، جز جملات و عباراتی پراکنده و نامرتب چیزی حاصل نمی‌شود و متن ادبی نمی‌تواند ارتباط مؤثری با مخاطب برقرار کند. این موضوع اهمیت انسجام و پیوستگی را در اشعار و متون ادبی و تحقیقات مرتبط با آن‌ها روشن می‌کند. مؤلفه‌های انسجام و پیوستگی بخش غیرساختاری لایه فرانش متنی در دستور نظام‌مند نقش‌گرا و مفاهیم اصلی نظریه انسجام و پیوستگی هلیدی و حسن را تشکیل می‌دهند. در پژوهش حاضر، پس از پرداختن به برخی مطالعات مرتبط در بخش پیشینه، مبانی نظری تحقیق، که شامل کلیدی از دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی و متیسن و مفاهیم عمده نظریه انسجام و پیوستگی هلیدی و حسن (Halliday and Hasan 1985) هستند، مطرح شده‌اند. در ادامه، در بخش تجزیه و تحلیل داده‌ها، درصدهای عوامل انسجامی، انسجام و پیوستگی در متون شعر یادشده، و ترجمه انگلیسی آن محاسبه و با هم مقایسه شده‌اند و در پایان نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌ها در قالب جدول و نمودار ارائه و پرسش‌های تحقیق پاسخ داده شده‌اند.

۲. پیشینه پژوهش

زبان‌شناسی نقش‌گرا عمدتاً در اروپا شکل گرفت و به نظریه‌های گوناگون مجهز شد. از جمله پیش‌گامان زبان‌شناسی نقش‌گرای یکی آندره مارتینه (Andre Martinet) و دیگری

تحلیل مقایسه‌ای شعری از مثنوی مولوی با ... (زهره آسوده و دیگران) ۷

هلیدی است. هلیدی در ۱۹۸۵ کتاب *مقدمه‌ای بر دستور نقشی* را نوشته و در آن از نظام و نقش به‌عنوان مفاهیم اصلی این دستور نام برده است. او در ۲۰۰۴، کتاب *درآمدی بر دستور نقشی‌گرایی* را با هم‌کاری متیسن بازننگری کرده که مبنای آن همان کتاب *مقدمه‌ای بر دستور نقشی وی* است. تامپسون (Thompson) در ۲۰۰۴ در کتاب *معرفی دستور نقشی‌گرا* به زبان ساده اصول و اصطلاحات دستور نقشی‌گرا را برگرفته از دستور نقشی‌گرای هلیدی بیان کرده است. هلیدی و حسن در ۱۹۷۶ نظریه انسجام را با نام «Cohesion in English» مطرح کردند. سپس، رقیه حسن در ۱۹۸۴ و هلیدی و حسن در ۱۹۸۵ این نظریه را بسط دادند و مقوله هماهنگی انسجامی (cohesive harmony) و پیوستگی در متن را نیز به آن افزودند.

پژوهش‌گران زیادی از نظریه نقشی‌گرایی هلیدی و متیسن در زمینه‌های گوناگون مانند تجزیه و تحلیل متن، تحلیل سبک داستان و شعر، و ارزش‌یابی وضعیت ترجمه متون استفاده کرده‌اند، اما تاکنون در پژوهشی مانند تحقیق حاضر به تحلیل مقایسه‌ای متون ادبی مثنوی معنوی و متون ترجمه انگلیسی این اثر از منظر فراتنشی متن و مقوله‌های انسجام و پیوستگی در رویکرد نقشی‌گرایی هلیدی پرداخته نشده است. از جمله آثاری که در آن‌ها انسجام و پیوستگی بر پایه نظریه نقشی‌گرایی هلیدی بررسی شده است می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

ایشانی (۱۳۸۹) در پایان‌نامه دکتری خود، با نام *انسجام در غزل فارسی: تحلیل مقایسه‌ای چند غزل حافظ و سعدی*، در چهارچوب نظریه انسجام هلیدی و حسن (Halliday and Hasan 1985) به بررسی کاربرد عوامل انسجام دستوری و واژگانی و محاسبه درصد انسجام و پیوستگی در ده غزل حافظ و ده غزل سعدی پرداخته است. برخی از نتایج حاصل از مقایسه کمی این عوامل و درصد انسجام و پیوستگی در غزل‌های حافظ و سعدی به شرح زیر است:

۱. غزل حافظ، برخلاف آرای محققانی چون کسروی، خرمشاهی، براهنی، و دشتی، منسجم و پیوسته است؛ ۲. درجه انسجام و پیوستگی غزل‌های سعدی بیش‌تر از حافظ است، اما این امر به این معنی نیست که غزل حافظ نامنسجم است. آنچه باعث اختلاف نظر پژوهش‌گران در مورد غزل حافظ شده بیش‌تر مربوط به مقوله پیوستگی است نه انسجام؛ ۳. علت این‌که غزلیات سعدی در مقایسه با حافظ منسجم‌تر و پیوسته‌تر است کاربرد بیش‌تر عوامل انسجام دستوری است که، به گفته رقیه حسن، این عوامل جامع‌متن‌اند.

سارلی و ایشانی (۱۳۹۰) در مقاله «نظریه انسجام و هماهنگی انسجامی و کاربست آن در یک داستان کمینه فارسی»، به تحلیل متن «قصه نردبان» بر پایه نظریه انسجام هلیدی و حسن (Halliday and Hasan 1985) پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که این نظریه در زبان فارسی قابل استفاده است و با شناخت الگوی تکامل یافته انسجام و هماهنگی انسجامی می‌توان آن را در هر متنی، چه ادبی چه غیرادبی، به کار بست و نکته درخور توجه آن است که با کاربرد این نظریه می‌توان درجه انسجام و پیوستگی متون را از نظر کمی مقایسه کرد.

ایشانی و نعمتی (۱۳۹۲) در مقاله «بررسی انسجام و پیوستگی در سوره صف با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا» به بررسی کمی انسجام و پیوستگی براساس الگوی انسجام و پیوستگی حسن (Hasan 1984) و هم‌چنین هلیدی و حسن (Halliday and Hasan 1985) در سوره صف پرداخته‌اند. آن‌ها با روشی علمی به این نتیجه رسیده‌اند که این سوره با وجود تنوع مضمون از انسجام و پیوستگی بالایی برخوردار است.

قوامی و آذرنوا (۱۳۹۲) در مقاله «تحلیل انسجام و هماهنگی انسجامی در شعری کوتاه از شاملو» عوامل انسجام واژگانی و دستوری را در یکی از اشعار شاملو و با استفاده از نظریه هلیدی و حسن (Halliday and Hasan 1976) بررسی کرده و پس از رسم جدول عوامل انسجام واژگانی و دستوری به مقایسه فراوانی این عوامل پرداخته‌اند. این نویسندگان نتیجه گرفته‌اند که شعر شاملو منسجم است و انسجام دستوری آن به مراتب بیش‌تر از انسجام واژگانی آن است و غالب نمونه‌های انسجام دستوری در این شعر مربوط به ارجاع است. به نظر می‌رسد محققان در این مقاله مفاهیم مرتبط با نظریه را به درستی متوجه نشده‌اند، زیرا با این‌که در عنوان مقاله مذکور و در عنوان جدول ۱ لفظ هماهنگی انسجامی را به کار برده‌اند، در مورد هماهنگی انسجامی و پیوستگی متن شعر تحقیقی انجام نداده‌اند. در واقع، عنوان جدول ۱ جدول عوامل انسجامی دستوری و واژگانی است.

نعمتی قزوینی (۱۳۹۲) در مقاله «نقدی بر ترجمه سوره بینه از طاهره صفارزاده براساس الگوی انسجام» در چهارچوب دستور نقش‌گرای هلیدی به تجزیه و تحلیل انسجام در سوره بینه و ترجمه آن پرداخته است و به این نتیجه رسیده که با توجه به درصد بالای انسجام و شباهت متن مقصد به مبدأ در نحوه کاربست عوامل انسجام، مترجم در انتقال مفاهیم سوره موفق بوده است.

نعمتی قزوینی و ایشانی (۱۳۹۴) در مقاله «مقایسه کاربست عوامل انسجام در سوره اعلی و ترجمه آن از صفارزاده»، به تحلیل بخشی از فرانش متن یعنی عوامل انسجام متن براساس الگوی هلیدی و حسن (Halliday and Hasan 1985) در متن سوره اعلی و ترجمه آن پرداخته و با مقایسه این عوامل و درصد انسجام در متن و ترجمه سوره نتیجه گرفته‌اند که نزدیک بودن نسبت عوامل انسجام واژگانی و دستوری در هر دو متن نشان می‌دهد مترجم در انتقال مفاهیم آیات سعی داشته از ساختار متن اصلی تبعیت کند و البته نزدیکی درصد انسجام سوره با درصد انسجام ترجمه، ضمن تأیید این امر، می‌تواند حاکی از موفقیت صفارزاده در ترجمه سوره و انتقال مفاهیم آن نیز باشد.

امرای و ناصری هرسینی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با نام «نظریه انسجام هلیدی و حسن (۱۹۸۵) و کاربست آن در داستانکی روایی از مثنوی معنوی» عوامل انسجام و هماهنگی انسجامی را در داستانکی دوبیتی از مثنوی معنوی مشخص کرده و نشان داده‌اند که این داستانک از انسجام بسیار بالایی برخوردار است و این نظریه را می‌توان برای مشخص کردن میزان انسجام متن و هماهنگی انسجامی و تعامل زنجیره‌ای (chain interaction) عناصر متن در متون نظم روایی نیز به کار گرفت. تمرکز نویسنده در این مقاله بر روی محاسبه درصد عوامل انسجام دستوری و واژگانی در این داستانک بوده است.

امرای و دیگران (۱۳۹۶) در مقاله «ارزیابی مقایسه‌ای انسجام در سوره علق و ترجمه آن از حداد عادل براساس نظریه هلیدی و حسن»، عوامل انسجام و درصد آن را در متن سوره علق و ترجمه‌اش براساس نظریه تکامل یافته هلیدی و حسن (Halliday and Hasan 1985) مشخص کردند و پس از مقایسه تحلیل‌ها در دو متن به این نتیجه رسیدند که هر دو متن منسجم‌اند و، باتوجه به درصد بالای شباهت متن مقصد با متن مبدأ و نحوه کاربست عوامل انسجام در آن‌ها، مترجم در انتقال مفاهیم متن مبدأ موفق بوده است.

با نگاهی به پژوهش‌های پیشین، درمی‌یابیم که در بیش تر پژوهش‌های انجام گرفته در چهارچوب نظریه هلیدی فقط به کاربست عوامل انسجامی و تحلیل کمی مقوله انسجام و کم‌تر به تحلیل پیوستگی در متن یا تحلیل تطبیقی این عامل پرداخته شده است. نوآوری پژوهش حاضر این است که از نظریه انسجام و پیوستگی هلیدی و حسن (Halliday and Hasan 1985) و دیدگاه تعادل نقش بنیاد هلیدی در ترجمه، در تحلیل مقایسه‌ای متون شعر مثنوی مولوی و ترجمه انگلیسی آن برای بررسی تعادل در معنای متنی (تعادل انسجامی) در متن ترجمه و تبعیت مترجم از سبک متن مبدأ استفاده شده است.

برای محدودتر کردن پژوهش، تمرکز نگارندگان فقط بر بخش غیرساختاری فرانش متن‌ی یعنی انسجام و پیوستگی است. از نتایج این پژوهش می‌توان در تحلیل انتقال معنا در ترجمه، نقد، و آموزش ترجمه بهره گرفت.

۳. مبانی نظری پژوهش

مبانی نظری پژوهش در دو بخش تنظیم شده است: در بخش اول، پس از معرفی دستور نقش‌گرای هلیدی و متیسن، به رویکرد سیاق کلام هلیدی و دیدگاه تعادل نقش‌بنیاد وی در ترجمه اشاره شده است؛ در بخش دوم به نظریه انسجام تکامل‌یافته هلیدی و حسن و بیان مفاهیم اصلی آن پرداخته شده است.

۱.۳ دستور نظام‌مند نقش‌گرا (SFG)

دستور نظام‌مند نقش‌گرای (systemic functional grammar) هلیدی و متیسن (Halliday and Matthiesson 2014) یکی از دیدگاه‌های نقش‌گراست که به توصیف زبان به فرانش‌های زبانی در متن می‌پردازد. هلیدی در دهه ۱۹۶۰ این مدل دستوری را توسعه داد. اصطلاح نظام‌مند برپایه نگرشی است که زبان را شبکه‌ای از نظام‌ها یا گزینه‌های جای‌گزین هم برای ساخت معنی می‌داند. اصطلاح نقش‌گرایی به نگرش این رویکرد به معنا و مفهوم اشاره دارد که زبان را به صورت بالفعل و در بافت بررسی می‌کند و واحد مورد مطالعه آن نیز بند است. از دیدگاه این دستور، ساختار زبان متأثر از نقش‌هایی است که زبان در بافت ارتباطی و در جهان خارج به عهده دارد (ibid.: 30). اصطلاح «سیاق» ناظر بر گوناگونی‌های زبانی مرتبط با کاربرد زبان است. هلیدی، با توجه به نقش‌ها و معناهای همگانی زبان، به تبیین بافت موقعیتی (context of situation) یا سیاق کلام پرداخت و، به نحوی متناظر با نقش‌های سه‌گانه زبان، بافت موقعیتی را متشکل از سه بخش دانست. او این سه سازه نظام نشانه‌ای موقعیت را به ترتیب موضوع سخن (field)، عاملان سخن (tenor)، و شیوه بیان (mode) نامید. وظیفه اصلی این متغیرهای کلام ایجاد ارتباط بین نقش و شکل زبان است (Thompson 2014: 40). از دیدگاه هلیدی، هر عبارتی معانی مختلفی را کدگذاری می‌کند که به نقش‌های زبان مرتبط‌اند. مدل نقش‌گرا سه نقش اصلی را، که نویسندگان و سخن‌گویان به خاطر آن زبان را به کار می‌برند، شناسایی می‌کند: بازنمایی تجربه از طریق فرانش اندیشگانی، رمزگذاری تعامل از طریق فرانش بین‌فردی، و سازمان‌دهی نقش‌های پیشین در

یک کل منسجم از طریق فرانتش متنی. این معانی در هر متنی در آن واحد عمل می‌کنند. پس در این نظریه به دستور به‌مثابه نظامی نگریسته می‌شود که سازنده معناست و مقوله‌های دستوری با توجه به معنایی که دارند توصیف می‌شوند (Halliday and Matthiesson 2014: 10). مانفردی (Manfredi) بر آن است که همین نگاه رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند، که زبان را اصولاً منبع بالقوه‌ای از معنا قلمداد می‌کند، در ارتباطی تنگاتنگ با مطالعات ترجمه قرار می‌گیرد. از آن‌جاکه در ترجمه معنا در مرکزیت فعالیت ترجمه قرار دارد و مترجم به‌طور خاص و مدام با معنا سروکار دارد، می‌توان ادعا کرد که این دستور ابزار سودمندی برای ترجمه فراهم می‌کند (Manfredi 2011: 49). فرایند ترجمه در آرمانی‌ترین حالت عبارت از برگرداندن عناصر و ساختارهای متنی زبان مبدأ به معادل آن در زبان مقصد است؛ به‌گونه‌ای که خواننده متن مقصد همان پیام و تأثیری را دریابد که خواننده متن مبدأ درمی‌یابد. هرچند تعادل کامل در ترجمه امری ناممکن است، هدف مترجم این است که تا حد ممکن فرایند انتقال معنا به‌خوبی انجام گیرد. به‌لحاظ سنتی، مترجمان و ارزیابان ترجمه اغلب روی یک بُعد از معنا، یعنی معنای اندیشگانی، به‌ویژه معنای تجربی، تمرکز کرده‌اند، اما هیلیدی نیل به تعادل مرتبط با هر سه مؤلفه معنایی را برای رسیدن به این مقصود مهم می‌داند و، به‌نظر وی، اگر نیل به معنای اندیشگانی معادل در ترجمه محقق شود و از نظر معنایی بینافردی یا متنی یا هر دو آن‌ها رابطه تعادلی برقرار نشود، انتقال حداکثری معنای متن مبدأ در متن مقصد از طریق ترجمه حاصل نخواهد شد (خان‌جان ۱۳۹۳: ۱۲۷).

فرانتش متنی هیلیدی شامل دو بخش ساختاری (ساخت موضوعی و ساخت اطلاعی) و غیرساختاری (انسجام و پیوستگی) است. پژوهش حاضر بر روی تحلیل بخش غیرساختاری فرانتش متنی تمرکز دارد. بنابراین، در ادامه به مفاهیم انسجام و پیوستگی در نظریه تکامل‌یافته هیلیدی و حسن پرداخته خواهد شد.

۲.۳ نظریه انسجام و پیوستگی هیلیدی و حسن (Halliday and Hasan 1985)

دو تا از مفاهیم مهم در این نظریه مقوله‌های انسجام و پیوستگی است. هیلیدی و حسن (Halliday and Hasan 1976: 4) روابط بین جمله‌ای متن را انسجام متنی (textual cohesion) نامیده و آن را بدین صورت تعریف کرده‌اند:

«انسجام مفهومی معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن می‌پردازد و آن را به‌عنوان یک متن از غیر متن جدا و مشخص می‌نماید». این دو زبان‌شناس ابزارهای آفریننده

انسجام متن را در زبان انگلیسی به ابزارهای دستوری شامل ارجاع (reference)، جای‌گزینی (substitution)، حذف (ellipsis)، عوامل انسجام واژگانی عام (general)، و عوامل انسجام واژگانی موردی یا نمونه‌ای (instantial) تقسیم کرده‌اند. ابزارهای واژگانی عام شامل تکرار (repetition)، هم‌معنایی (synonymy)، تضاد معنایی (antonymy)، و جزء و کل (meronymy) هستند و ابزارهای واژگانی موردی برابری (equivalence)، نام‌گذاری (naming)، و تشابه (semblance) را شامل می‌شوند (Halliday and Hasan 1989: 82).

آنچه مفهوم انسجام را در جمله مستقر می‌کند گره (tie) نامیده می‌شود. گره یک عنصر از یک جمله را به عنصری در جمله‌ای دیگر ربط می‌دهد. رقیه حسن برای یافتن و اثبات انسجام در متن مؤلفه مکملی را با نام هماهنگی انسجامی معرفی می‌کند و توضیح می‌دهد که صرف یافتن عوامل انسجام در یک یا چند گره از متن دال بر این نیست که آن متن از انسجام برخوردار است، بلکه باید این عوامل در یک زنجیره انسجامی قرار بگیرند و با دیگر زنجیره‌های انسجامی ارتباط دوسویه داشته باشند و به هم پیوستگی این عناصر انسجامی نیز مهم است (سارلی و ایشانی ۱۳۹۰: ۵۸). بنابراین، وجود عناصر انسجام در گره‌های انسجامی و شرکت آن‌ها در زنجیره‌ها به معنی پایان تحلیل انسجام نیست و بررسی تعامل داخلی این گره‌ها و زنجیره‌های انسجامی نیز ضروری است. این زنجیره‌ها به دو دسته کلی یک‌سانی (identity chains) و شباهت (similarity chains) تقسیم می‌شوند. عناصر زنجیره‌های عینیت یا یک‌سانی، براساس ارتباط معنایی‌شان، مرجع مشترک دارند. از آن‌جاکه ارتباط چنین زنجیره‌هایی براساس عینیت و یک‌سانی است، همیشه متن محور (text bound) در نظر گرفته می‌شوند و فقط در همان متن، و نه در دیگر متون متفاوت، زنجیره‌های یک‌سانی هستند. عناصر موجود در زنجیره‌های شباهت عناصری هستند که در زنجیره‌های یک‌سانی شرکت ندارند (Halliday and Hasan 1989: 82). براساس مؤلفه هماهنگی انسجامی، رابطه عمودی این زنجیره‌ها براساس قرارگرفتن عناصر انسجامی موجود در متن در زنجیره‌های یک‌سانی و شباهت و رابطه افقی این زنجیره‌ها برپایه گذرایی (transitivity) خواهد بود. از دید زبان‌شناسی نقش‌گرا، گذرایی مشخصه‌ای از جمله است که برای مشخص کردن انواع متفاوت فرایندها (processes) در جمله به کار می‌رود. هلیدی فرایندها را به سه گروه اصلی مادی (material)، ذهنی (mental)، و ربطی (relational) و سه نوع فرایند فرعی با نام‌های رفتاری (behavioral)، لفظی (verbal)، و وجودی (existential) تقسیم کرده است (مصطفوی و صنعتی ۱۳۹۵: ۱۳۹).

فرایند مادی به فعالیت‌هایی مربوط است که به انجام‌دادن کاری فیزیکی دلالت دارند؛ مانند دویدن و گرفتن. شرکت‌کننده‌های این فرایند «کنش‌گر» (actor) و «هدف» (goal) نام دارند. فرایند ذهنی به امور ذهنی، حسی، و فکری مربوط است، مانند فکرکردن و دوست‌داشتن. شرکت‌کننده‌های این فرایند «حس‌گر» (senser) و «نمود» یا «پدیده» (phenomenon) نام دارند. فرایند ربطی فرایندی است که با افعال «شدن، داشتن، به‌نظررسیدن، و بودن» در ارتباط است، اما این افعال به معنی وجودداشتن نیستند. شرکت‌کننده‌ای که این فرایند را انجام می‌دهد «حامل» (carrier) نام دارد و آنچه اسناد داده می‌شود صفت (attribute)، عینیت (identity)، یا مالکیت (possession) است. فرایند رفتاری حد واسط فرایند ذهنی و مادی است، مانند نگران‌بودن و لبخندزدن. تنها شرکت‌کننده این فرایند «رفتارگر» (behavior) نام دارد. فرایند کلامی فعالیت‌هایی نظیر «گفتن» را شامل می‌شود و شرکت‌کننده‌های آن «گوینده» (sayer) و «دریافت‌کننده» (recipient) نام دارند. فرایند وجودی شامل هر فعلی است که معنی وجودداشتن را در بر داشته باشد. آنچه معنای وجودداشتن به آن نسبت داده می‌شود «موجود» (existent) نامیده می‌شود و در این فرایند عنصری پیرامونی (circumstantial element) نیز شرکت دارد (صناعتی ۱۳۸۶: ۱۴۹-۱۵۳).

در این مرحله، پیش از تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای شعر مثنوی و ترجمه انگلیسی آن، نخست روش کار برای این تحلیل کمی و ترتیب مراحل آن ذکر خواهد شد.

۴. روش تحقیق

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و آماری انجام گرفته و براساس نظریه انسجام هیلیدی و حسن (Halliday and Hasan 1985)، مقوله‌های انسجام و پیوستگی در متون شعری هشت بیتی از دفتر اول مثنوی مولوی، با نام «خلیفه که در کرم در زمان خود از حاتم طایی گذشته بود و نظیر خود نداشت»، و ترجمه انگلیسی آن از مجدّدی تحلیل شده است. نگارندگان در این پژوهش، برای شعر مثنوی و تفسیر آن، از شرح جامع مثنوی مولوی، دفتر اول، به‌عنوان کتاب مرجع بهره برده‌اند. کریم زمانی (۱۳۹۸) در این کتاب به ذکر شماره ابیات و توضیح هریک از ابیات اشعار دفتر اول مثنوی پرداخته است. از امتیازهای شرح زمانی این است که در آن به شرح‌های سابق توجه داشته و، ضمن پرهیز از پُرگویی، سعی کرده است مطالب دشوار را ساده‌تر بیان کند.

در این پژوهش، پس از بررسی مقایسه‌ کاربست هریک از عوامل انسجامی واژگانی و دستوری، انسجام و پیوستگی طبق الگوی انسجام هلیدی و حسن (Halliday and Hasan 1985) در متون شعر فارسی و ترجمه انگلیسی آن براساس رویکرد هلیدی به تعادل در ترجمه، به تحلیل موفقیت مترجم در رعایت تعادل نقشی مرتبط با فرانقش متنی هلیدی و در نتیجه انتقال حداکثری معنای متنی پرداخته می‌شود. روش کار برای تحلیل کمی انسجام و پیوستگی مطابق مدل هلیدی و حسن بدین ترتیب است:

۱. تقسیم متن به بندهای تشکیل دهنده آن؛
۲. نوشتن واژه‌های موجود در هر بند (بدون در نظر گرفتن حرف اضافه و ربط) به صورت جداگانه و محاسبه کل نمونه‌ها یعنی همه نمونه‌های شرکت کننده در این بررسی؛
۳. یافتن عوامل انسجام واژگانی و دستوری در متن از بین واژه‌های نوشته شده؛
۴. قراردادن این عوامل در زنجیره‌هایی با عناوین «یکسانی و شباهت» و محاسبه نمونه‌های مرتبط (relevant tokens) که عبارت‌اند از نمونه‌هایی که در این زنجیره‌ها شرکت دارند؛
۵. تشکیل زنجیره‌هایی که دست کم دو عضو آن‌ها با دو عضو دیگر زنجیره‌های روبه‌رویی براساس گذرایی در یک فرایند قرار می‌گیرند و با هم تعامل و ارتباط متقابل دارند و محاسبه نمونه‌های مرکزی (central tokens) (برای نشان دادن پیوستگی با استفاده از هماهنگی انسجامی)؛
۶. محاسبه درجه انسجام و پیوستگی متن. درصد نمونه‌های مرتبط و مرکزی نسبت به کل نمونه‌ها سنجیده می‌شود. اگر این درصد پنجاه یا بیش‌تر از آن باشد، بیان‌گر انسجام و پیوستگی متن است (Halliday and Hasan 1989: 93-94).

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

بخش تجزیه و تحلیل داده‌ها در سه بخش فرعی تنظیم شده است:

۱.۵ تحلیل متن قصه «خلیفه که در کرم در زمان خود از حاتم طایی گذشته بود و نظیر خود نداشت».

این شعر از هشت بیت تشکیل شده و ابیات شماره ۲۲۴۴ تا ۲۲۵۱ از دفتر اول مثنوی را شامل می‌شود. برای تحلیل متن شعر، نخست متن به بندهای تشکیل دهنده آن تقسیم و

تحلیل مقایسه‌ای شعری از مثنوی مولوی با ... (زهره آسوده و دیگران) ۱۵

کلمات یا گروه کلمات موجود در هر بند جداگانه نوشته شد. در این تقسیم‌بندی، بدون در نظر گرفتن حروف اضافه و ربط، کلماتی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم (محذوف یا جای‌گزینی) در بند وجود دارند یادداشت شدند. این کلمات عوامل انسجامی واژگانی و دستوری (کل نمونه‌ها) در نظر گرفته می‌شوند و در مرحله نهایی کار نیز برای یافتن درصد‌های انسجام و پیوستگی متن موردنیاز خواهند بود. تعداد این عوامل یعنی کل نمونه‌ها ۵۶ مورد بود.

بیت اول:

۱. یک خلیفه - بود - ایام پیش
۲. (خلیفه) - حاتم - غلام کرده (بود) - جود خویش

بیت دوم:

۱. (خلیفه) - رایت اکرام و داد - افراشته
۲. (خلیفه) - فقر و حاجت - جهان - برداشته

بیت سوم:

۱. بحر و کان - بخششش - صاف: تهی - آمده: شده بود
۲. داد او - قاف تا قاف - آمده: گسترده - (شده بود)

بیت چهارم:

۱. (خلیفه) - جهان خاک - ابر و آب - بود
۲. (خلیفه) - مظهر بخشایش وهاب - بود

بیت پنجم:

۱. عطایش - بحر و کان - زلزله - (بود)
۲. سوی جودش - قافله بر قافله - (روانه) (بودند): می‌آمدند

بیت ششم:

۱. قبله حاجت - در و دروازه‌اش - (بود)
۲. رفته: گسترده - (شده بود) - عالم - جود - آوازه‌اش

بیت هفتم:

۱. هم عجم هم روم هم ترک و عرب - جود و سخایش - مانده در عجب:
تعجب کردند

بیت هشتم:

۱. (خلیفه) - آب حیوان - بود

۲. (خلیفه) - دریای کرم - (بود)

۳. زنده گشته: زنده شده بودند - زو - هم عرب، هم عجم

پس از تقسیم ابیات به بندها و جداجدانویسی هریک از کلمات موجود در این بندها، این کلمات براساس این که جزو کدام یک از عوامل انسجامی‌اند و چه نوع رابطه‌ای با هم دارند، طبق جدول ۱، در زنجیرهٔ مربوط قرار داده شد که به شرح هریک از زنجیره‌ها و ارتباط این عناصر پرداخته می‌شود:

بند ۱: «یک خلیفه» در این بند با «داد او» در بند ۶ از نظر انسجام واژگانی جزء و کل و با «خلیفه» در بند ۲، که به قرینه حذف شده، از نظر انسجام دستوری حذف و جانشینی در یک زنجیره قرار می‌گیرند. واژه «بود» در این بند با همین واژه در بندهای ۷، ۸، ۱۴ و با واژه «آمده» در بندهای ۵ و ۶ و واژه «رفته» در بند ۱۲ از نظر انسجام واژگانی تکرار هم‌زنجیره (co-chain) هستند و با واژه محذوف «بود» به قرینه در بندهای ۹، ۱۱، و ۱۵ از نظر انسجام دستوری حذف و جانشینی در یک زنجیره قرار می‌گیرند. گروه حرف‌اضافه‌ای «در ایام پیش» هم‌زنجیره ندارد و به‌تنهایی در یک ستون جداگانه قرار می‌گیرد.

بند ۲: واژه «حاتم» با «رایت اکرام و داد» در بند بعد از نظر انسجام واژگانی جزء و کل در یک زنجیره‌اند. «جود خویش» با واژه «جود» در بندهای ۱۰، ۱۲، و ۱۳ از نظر انسجام واژگانی تکرار، با «عطایش» در بند ۹ از نظر انسجام واژگانی هم‌معنایی، و با واژه «او» در بند ۱۶ از نظر انسجام واژگانی جزء و کل در یک زنجیره قرار می‌گیرند. «غلام کرده بود» به‌تنهایی در یک ستون جداگانه قرار می‌گیرد و هم‌زنجیره ندارد.

بند ۳: «رایت اکرام و داد» در این بند با «فقر و حاجت» در بند بعد از نظر انسجام واژگانی تضاد در یک زنجیره‌اند و واژه «افراشته» با «برداشته» به‌معنی «ازبین‌بردن» در بند بعد از نظر انسجام واژگانی تضاد هم‌زنجیره‌اند.

تحلیل مقایسه‌ای شعری از مثنوی مولوی با ... (زهره آسوده و دیگران) ۱۷

بند ۴: «جهان» در این بند با «جهان خاک» در بند ۷ از نظر انسجامِ واژگانی تکرار و با واژه‌های «عالم» در بند ۱۲ و «قاف تا قاف» در بند ۶ از نظر انسجامِ واژگانی هم‌معنایی در یک زنجیره قرار می‌گیرند.

بند ۵: «بحر و کان» در این بند با «بحر و کان» در بند ۹ از نظر انسجامِ واژگانی تکرار در یک زنجیره‌اند و واژه «بخششش» با «عطایش» در بند ۹ و با «جود» در بندهای ۲، ۱۰، ۱۲، و ۱۳ از نظر انسجامِ واژگانی هم‌معنایی و با ضمیر «او» در بند ۱۶ از نظر انسجامِ واژگانی جزء و کل در یک زنجیره‌اند. منظور از واژه «صاف» در «صاف‌شدن بحر و کان» در این جمله تهی‌شدن و تمام‌شدن آب و منابع است و با واژه «در زلزله» در بند ۹، که به‌معنی نابودشدن و تمام‌شدن است، از نظر انسجامِ واژگانی هم‌معنایی و با واژه «گسترده» در بندهای ۶ و ۱۲ از نظر انسجامِ واژگانی تضاد هم‌زنجیره‌اند.

بند ۷: (خلیفه) در جهان خاک، ابر و آب بود.

«ابر و آب» در این بند با «مظهر بخشایش وهاب» در بند بعدی و با «آب حیوان» در بند ۱۴ از نظر انسجامِ واژگانی جزء و کل در یک زنجیره قرار می‌گیرند.

بند ۸: «مظهر بخشایش وهاب» با «قبله حاجت» در بند ۱۱ و «دریای کرم» در بند ۱۶ از نظر انسجامِ واژگانی جزء و کل هم‌زنجیره‌اند.

بند ۱۰: سوی جودش قافله بر قافله

معنی این مصرع این است که کاروان‌ها به‌سوی جود و بخشش او روان بودند. «قافله بر قافله» در این بند با «هم عجم هم روم هم ترک و عرب» در بند ۱۳ و با «هم عرب هم عجم» در بند ۱۶ از نظر انسجامِ واژگانی جزء و کل در یک زنجیره‌اند. واژه «می‌آمدند» به‌دلیل نداشتن هم‌زنجیره در ستونی جداگانه جای می‌گیرد.

بند ۱۱: قبله حاجت در و دروازه‌اش

این بند دراصل چنین بوده است: در و دروازه‌اش قبله حاجت بود. «در و دروازه‌اش» با «یک خلیفه» در بند ۱ از نظر انسجامِ واژگانی جزء و کل در یک زنجیره قرار می‌گیرند.

بند ۱۲: «آوازه‌اش» در این بند نیز با «یک خلیفه» در بند ۱ از نظر انسجامِ واژگانی جزء و کل هم‌زنجیره‌اند.

بند ۱۳: هم عجم هم روم هم ترک و عرب مانده از جود و سخایش در عجب

واژه «تعجب کردند» در این بند با «از نو زنده شدند» در بند ۱۶ در یک زنجیره قرار می‌گیرند. هر دو فرایند رفتاری‌اند.

پس از مشخص کردن روابط عوامل انسجام واژگانی و دستوری، برای محاسبه نمونه‌های مرتبط، این عوامل در زنجیره‌هایی با عناوین «یکسانی و شباهت»^۲ قرار داده شدند. در این مرحله، فقط عوامل انسجامی که در یک زنجیره حداقل دو عنصر دارند شرکت می‌کنند و شرط شرکت در هریک از زنجیره‌های انسجامی عینیت و شباهت، حداقل، دو عضو بودن است. گفتنی است که برای درک ارتباط عناصر در یک زنجیره (یکسانی یا شباهت) از شرح روابط عوامل انسجامی (طبق جدول ۱)، که پیش‌تر داده شد، استفاده می‌شود. مثلاً، «افراشته» در بند ۳ با «برداشته» در بند بعدی در زنجیره شباهت خواهند بود؛ به این دلیل که نوع ارتباطشان واژگانی (تضاد) است. عواملی که ارتباطشان از نوع دستوری یعنی ارجاع یا جانشینی و حذف باشد در زنجیره‌های یکسانی خواهند بود، مانند «یک خلیفه» در بند ۱ با «خلیفه» در بند ۲، که به قرینه حذف شده، از نظر انسجام دستوری حذف و جانشینی در یک زنجیره یکسانی قرار گرفتند. گروه حرف‌اضافه‌ای «در ایام پیش» در بند ۱ و واژه «می‌آمدند» در بند ۱۰ و «غلام کرده بود» در بند ۲ هم‌زنجیره ندارند و هرکدام در ستونی جداگانه قرار گرفتند. بنابراین، این عناصر جزو نمونه‌های مرتبط محاسبه نشدند و تعداد نمونه‌های مرتبط ۵۳ مورد به دست آمد. عواملی از بین کل نمونه‌ها، که جزو نمونه‌های مرتبط نبودند، نمونه‌های جنبی (peripheral tokens) را تشکیل دادند و سه مورد را شامل شدند.

جدول ۱. روابط عوامل انسجام دستوری و واژگانی در متن شعر مثنوی

روابط عوامل انسجام دستوری و واژگانی در متن شعر						
عوامل انسجام دستوری	ارجاع	بخشش (۵) خلیفه (۱)	داد او (۶) خلیفه (۱)	دروازه‌اش (۱۱) خلیفه (۱)	آوازه‌اش (۱۲) خلیفه (۱)	او (۱۶) خلیفه (۱)
		عطایش (۹) خلیفه (۱)	جود خویش (۲) خلیفه (۱)	جودش (۵) خلیفه (۱)	جود و سخایش (۷) خلیفه (۱)	
	جانمایی و حذف	خلیفه (۲-۱) (۳-۱)، (۴-۱)، (۷-۱) (۸-۱)، (۱۴-۱)، (۱۵-۱)	بود (۹-۸) (۱۱-۸) (۱۵-۱۴)			
عوامل انسجام واژگانی	تکرار	جهان (۴-۷)	بود (۷-۱) (۸-۷) (۱۴-۸)	بحر و کان (۵-۹)	جود (۱۰-۲) (۱۲-۱۰) (۱۳-۱۲)	
	هم معنایی	جهان (۴) قاف تا قاف (۶)	جهان خاک (۷) عالم (۸)	جود (۲) بخشش (۵)	جود (۲) عطا (۹)	بخشش (۵) عطا (۹) صاف (۵) در زلزله (۹)
	تضاد	اکرام و داد (۳) فقر و حاجت (۴)	افراشته (۳) برداشته (۴)	صاف (۵) گسترده (۶)	صاف (۵) گسترده (۱۲)	
	جزء و کل	ابر و آب (۷) مظهر بخشایش و هاب (۸)	مظهر بخشایش و هاب (۸) قبله حاجت (۱۱)	ابر و آب (۷) آب حیوان	مظهر بخشایش و هاب (۸) دریای کرم (۱۵)	قافله تا قافله (۱۰) هم عجم هم روم هم ترک و عرب (۱۳)

روابط عوامل انسجام دستوری و واژگانی در متن شعر						
	عطایش (۹) خلیفه (۱)	جودش (۱۰) خلیفه (۱)	آوازه‌اش (۱۲) خلیفه (۱)	داد او (۶) خلیفه (۱)	هم عجم هم روم هم ترک و عرب (۱۳) هم عرب هم عجم (۱۶)	
			رایت اکرام و داد (۳) حاتم (۲)	جود و سخایش (۱۳) خلیفه (۱)	بخششش (۵) خلیفه (۱)	
						برابری
						نام‌گذاری
			دریای کرم (۱۵) خلیفه (۱)	آب حیوان (۱۴) خلیفه (۱)	ابر و آب (۷) خلیفه (۱)	تشابه

در قدم بعدی، برای نشان دادن پیوستگی متن با استفاده از هماهنگی انسجामी، طبق جدول ۲، زنجیره‌هایی که حداقل دو عضو آن‌ها با دو عضو دیگر زنجیره‌های روبه‌رویی براساس گذرایی در یک فرایند قرار گرفته بودند و با یکدیگر ارتباط متقابل و تعامل داشتند مشخص شدند. در نتیجه، تعداد این زنجیره‌ها، یعنی نمونه‌های مرکزی، ۵۲ مورد به دست آمد. رابطه عمودی این زنجیره‌ها براساس قرار گرفتن عناصر انسجामी موجود در متن در زنجیره‌های یک‌سانی و شباهت است و رابطه افقی این زنجیره‌ها برپایه گذرایی یا ارتباط متقابل این عوامل با یکدیگر و قرار گرفتن آن‌ها براساس دستور زبان نقش‌گرایی هلیدی است که اکنون به توضیح این بخش از تحلیل براساس جدول ۲ پرداخته می‌شود:

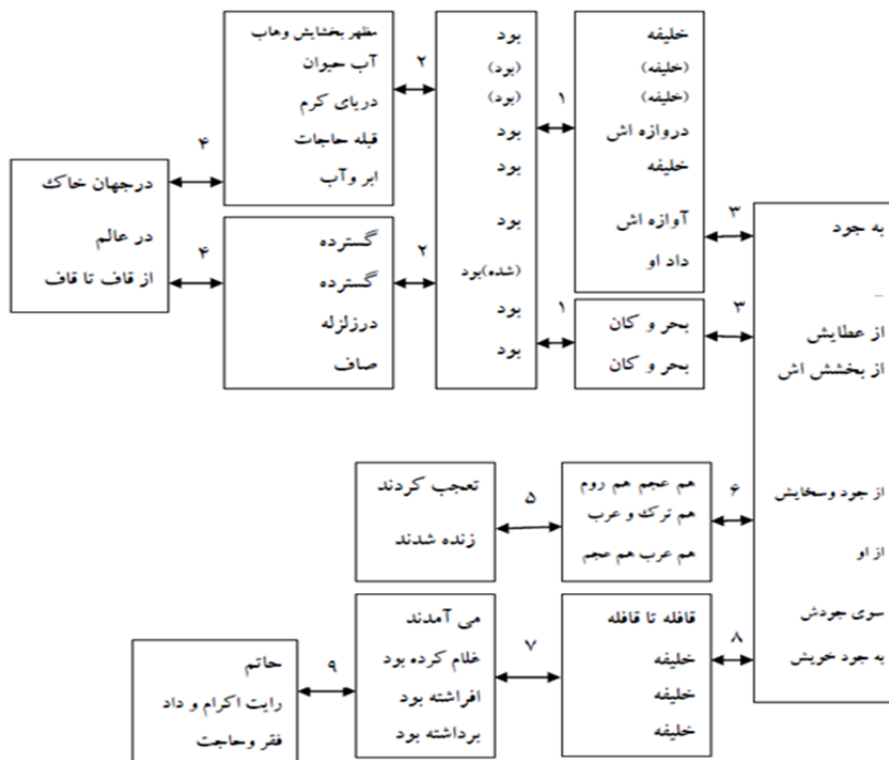
در بخش راست صفحه، شماره ایبات و بندها عمودی نوشته شده است و بندهای مربوط در این جدول در مقابل آن‌ها و به صورت کادری نشان داده شده‌اند. براساس این الگو، کلماتی که به صورت عمودی در یک مجموعه‌اند برپایه یک‌سانی یا شباهت در یک زنجیره قرار گرفته‌اند و کلماتی که به صورت افقی در یک راستا هستند، براساس گذرایی، اجزای یک فرایند محسوب می‌شوند. اعداد روی پیکان‌ها نمایان‌گر رابطه این کادرها با یکدیگر است که در زیر به توضیح این روابط پرداخته می‌شود:

- | | |
|----------------------------|-------------------------|
| ۱. حامل - فرایند ربطی | ۲. فرایند ربطی - صفت |
| ۳. عنصر محیطی - حامل | ۴. صفت - عنصر محیطی |
| ۵. رفتارگر - فرایند رفتاری | ۶. رفتارگر - عنصر محیطی |
| ۷. کنش‌گر - فرایند مادی | ۸. عنصر محیطی - کنش‌گر |
| ۹. فرایند مادی - هدف | |

مثلاً، در بند «خلیفه مظهر بخشایش وهاب بود»، «خلیفه» حامل و «بود» فرایند ربطی است که رابطه بین آن‌ها با پیکان ۱ نشان داده شده است. از طرف دیگر، ارتباط فعل ربطی «بود» با «مظهر بخشایش وهاب» با پیکان ۲ نمایش داده شده است. «مظهر بخشایش وهاب» صفت است. آن تعداد از نمونه‌های مرتبط، که جزو نمونه‌های مرکزی نبودند، نمونه‌های غیرمرکزی را تشکیل دادند و یک مورد را شامل شدند. پس از محاسبه تعداد کل نمونه‌ها، نمونه‌های مرتبط، جنبی، مرکزی، و غیرمرکزی (non central tokens)، درصد نمونه‌های مرتبط نسبت به کل نمونه‌ها یعنی انسجام متن شعر مثنوی ۹۴/۶ درصد و همچنین درصد نمونه‌های مرکزی نسبت به کل نمونه‌ها یعنی پیوستگی این متن ۹۲/۸ درصد به دست آمد.

اگر این درصدها حداقل پنجاه درصد یا بیش‌تر از آن باشد، نشان‌گر انسجام و پیوستگی متن است. بنابراین، متن این شعر درجهٔ انسجام و پیوستگی بالایی دارد و از هماهنگی انسجامی برخوردار است.

جدول ۲. جدول پیوستگی در متن شعر مثنوی



۲.۵ تحلیل متن ترجمهٔ انگلیسی «قصهٔ خلیفه که در کرم در زمان خود از حاتم طایی گذشته بود و نظیر خود نداشت»

نخست متن شعر انگلیسی به بندهای تشکیل‌دهندهٔ آن تقسیم و کلمات یا گروه کلمات موجود در هر بند جداگانه نوشته شد:

1. There was - a caliph - once in history
2. Who - seemed - superior to Hatem Tai

3. The flag of generosity - he - 'd raise
4. (he) - Eradicating - need - his kind ways
5. His generous deeds - produced - pearls - the sea
6. (His generous deeds) - stretched - (pearls) - the world - repeatedly
7. He - was - clouds or rainfall - dry land
8. (he) - representing - God's own giving hand
9. His gifts - made quake - deepest mines and oceans
10. The route to him - all caravans - would take
11. The needy - turned - his door - in prayer
12. News of his generous ways - spread - everywhere
13. Persians, Greeks, Arabs, Turks - eyebrows raised - his munificence - were left amazed
14. (he) - (was) - Water of Life
15. (he) - (was) - sea of kindness
16. him - all humans - were born anew - soon

در مرحله بعد، عوامل انسجام واژگانی و دستوری در متن یافت شد. تعداد این عوامل، یعنی تعداد کل نمونه‌ها، ۵۶ مورد بود. سپس، نوع رابطه انسجامی بین آن‌ها، همان‌طور که در جدول ۳ نشان داده شده است، مشخص شد و نتایج زیر به دست آمد:

بند ۱: این بند با «there is» شروع شده که فرایندی وجودی است و چون هم‌زنجیره‌ای ندارد، به‌تنهایی در یک ستون قرار می‌گیرد. «a caliph» در بند ۱ با ضمیر موصولی «who» در بند ۲ و «he» در بندهای ۳، ۷، و ۱۴ از نظر انسجام دستوری ارجاع و با «his generous deeds» در بند ۵ و «his gifts» در بند ۹ و «news of his generous ways» در بند ۱۲ از نظر انسجام واژگانی جزء و کل در یک زنجیره واقع می‌شوند. «once in history» با «repeatedly» در بند ۶ از نظر انسجام واژگانی تضاد در یک زنجیره‌اند.

بند ۲: «seemed» در این بند فرایندی ربطی است که با «was» در بندهای ۷، ۱۲، و ۱۴ از نظر انسجام واژگانی جزء و کل در یک زنجیره قرار می‌گیرند.

عبارت «superior to Hatem Tai» نیز با واژه «spread» در بند ۱۲ از نظر انسجام واژگانی جزء و کل در یک زنجیره‌اند.

بند ۳: «raised» به معنی «بالا بردن پرچم بخشنده‌گی و زیاد کردن بخشش»، با «eradicating» در بند بعد، از نظر انسجام واژگانی تضاد در یک زنجیره‌اند. «the flag of generosity» با «need» در بند بعد نیز از نظر انسجام واژگانی تضاد در یک زنجیره قرار می‌گیرد.

بند ۴: «his kind ways» در این بند با «his munificence» در بند ۱۳ و با «him» در بند ۱۶ از نظر انسجامِ واژگانیِ جزء و کل در یک زنجیره‌اند.

بند ۵: «his generous deeds» با «his gifts» در بند ۹ از نظر انسجامِ واژگانیِ هم‌معنایی و با «he» در بندهای ۳، ۷، و ۱۴ از نظر انسجامِ واژگانیِ جزء و کل در یک زنجیره قرار می‌گیرند. واژه «produced» در این بند با «eradicate» در بند قبلی و هم‌چنین با «made quake» در بند ۹، که به معنی نابودکردن و تمام‌کردن منابع است، از نظر انسجامِ واژگانیِ تضاد در یک زنجیره‌اند و واژه «pearls» با «deepest mines and oceans» در بند ۹ از نظر انسجامِ واژگانیِ جزء و کل در یک زنجیره قرار می‌گیرند. «the sea» در این بند با واژه «the world» در بند بعد و واژه «everywhere» در بند ۱۲ از نظر انسجامِ واژگانیِ جزء و کل و با «dry land» در بند ۷ از نظر انسجامِ واژگانیِ تضاد در یک زنجیره واقع می‌شوند.

بند ۶: واژه «stretched»، به معنی گسترش دادن و امتداددادن، با واژه «raised» (بالا بردن)، یعنی زیادکردن، از نظر انسجامِ واژگانیِ جزء و کل در یک زنجیره‌اند.

بند ۷: «clouds or rainfall» در این بند با «caliph» در بند ۱ از نظر انسجامِ واژگانیِ تشابه در یک زنجیره قرار می‌گیرند.

بند ۸: واژه «represent» در این بند به معنی نشان‌دادن بخشندگی در عمل و انجام‌دادن آن است و با واژه «stretched» در بند ۶ و «made quake» در بند ۹ از نظر انسجامِ واژگانیِ جزء و کل در یک زنجیره‌اند. عبارت «God's own giving hand» با عبارت «deepest mines and oceans» در بند بعد از نظر انسجامِ واژگانیِ جزء و کل در یک زنجیره قرار می‌گیرند.

بند ۱۰: «would take» به معنی به‌سمت خلیفه رفتن و مسیر دروازه‌اش را درپیش‌گرفتن است. «would take» در این بند با «turned»، به معنی تغییرمسیردادن و چرخیدن، در بند بعدی از نظر انسجامِ واژگانیِ جزء و کل در یک زنجیره قرار می‌گیرد. عبارت «the route to him» با «prayer»، به معنی تقاضا و خواسته، در جمله بعدی و با واژه «need» در بند ۴ از نظر انسجامِ واژگانیِ جزء و کل در یک زنجیره‌اند. «all caravans» در این بند با «the needy» در بند بعدی در این متن هم‌معنی است. بنابراین، از نظر انسجامِ واژگانیِ برابری در یک زنجیره‌اند. «all caravans» با «Greeks, Arabs, Turks, Persians» در بند ۱۳ نیز از نظر انسجامِ واژگانیِ جزء و کل در یک زنجیره قرار می‌گیرد.

بند ۱۱: «his door» با «him» در بند ۱۶ از نظر انسجامِ واژگانیِ جزء و کل در یک زنجیره قرار می‌گیرد.

تحلیل مقایسه‌ای شعری از مثنوی مولوی با ... (زهره آسوده و دیگران) ۲۵

بند ۱۳: «eyebrow raised» در این بند هم‌زنجیره‌ای ندارد و به‌تنهایی در ستونی جداگانه قرار گرفته است. «were amazed» و «were born anew» هر دو فرایند رفتاری‌اند و در یک زنجیره قرار می‌گیرند.

بند ۱۴: «water of life» در این بند و «caliph» در بند ۱ از نظر انسجام واژگانی تشابه در یک زنجیره‌اند. خلیفه به آب حیات تشبیه شده است.

بند ۱۵: «sea of kindness» در این بند با «caliph» در بند ۱ از نظر انسجام واژگانی تشابه در یک زنجیره قرار می‌گیرد. خلیفه به دریای مهربانی تشبیه شده است.

بند ۱۶: «all humans» در این بند با «all caravans» در بند ۱۰ و «the needy» در بند ۱۱ از نظر انسجام واژگانی جزء و کل در یک زنجیره قرار می‌گیرند.

جدول ۳. روابط عوامل انسجام دستوری و واژگانی در متن ترجمه شعر مثنوی

His (9) Caliph (1)	He (7) Caliph (1)	His (5) Caliph (1)	His (4) Caliph (1)	He (3) Caliph (1)	Who (2) Caliph (1)	ارجاع	عوامل انسجام دستوری
	Him (14) Caliph (1)	His munificence (13) Caliph (1)	His generous ways (12) Caliph (1)	His door (11) Caliph (1)	Him (10) Caliph (1)		
Was (14-7)	He (14-7)	He(8-7)	His generous deeds(6-5)	Pearls (6-5)	He (4-3)	جانشینی و حذف	
				Was (15-7)	He (15-7)		
His (12-13)	His (11-12)	His (9-11)	His (5-9)	His (4-5)	He (3-7)	تکرار	عوامل انسجام واژگانی
				Raise (3-13)	Him (10-16)		
			Munificence (13) Generosity (3)	Stretched (6) Spread (12)	Generosity (3) Gifts (9)	هم‌معنایی	
			Sea (5) Dry land (7)	Generosity (3) Need (4)	Produce (5) Eradicate (4)	تضاد	
Pearls (5) Deepest mines and oceans (9)	All humans (16) All caravans (10)	Caliph (1) His gifts (9)	World (6) Sea (5)	Caliph (1) His generous deeds (5)	Caliph (1) His kind ways (4)	جزء و کل	
Deepest mines and oceans (9) World (6)	His kind ways (4) Generosity (3)	All humans (16) Persians Greeks Arabs and Turks (13)	Caliph (1) His munificence (13)	Caliph (1) News of his generous ways (12)	Caliph (1) His door (11)		
			Route to him (10) Need (4)	Route to him (10) Prayer (11)	Stretched (6) Raise (3)		
	Everywhere (12) World (6)	Sea of kindness (15) Generosity (3)	All caravans (10) The needy (11)	His kind ways (4) His generous deeds (5)	History (1) World (6)	برابری	
						نام‌گذاری	
		Sea of kindness (15) Caliph (1)	Water of life (14) Caliph (1)	Clouds or rainfall (7) Caliph (1)	Flag of generosity (3) Generous deeds (5)	تشابه	

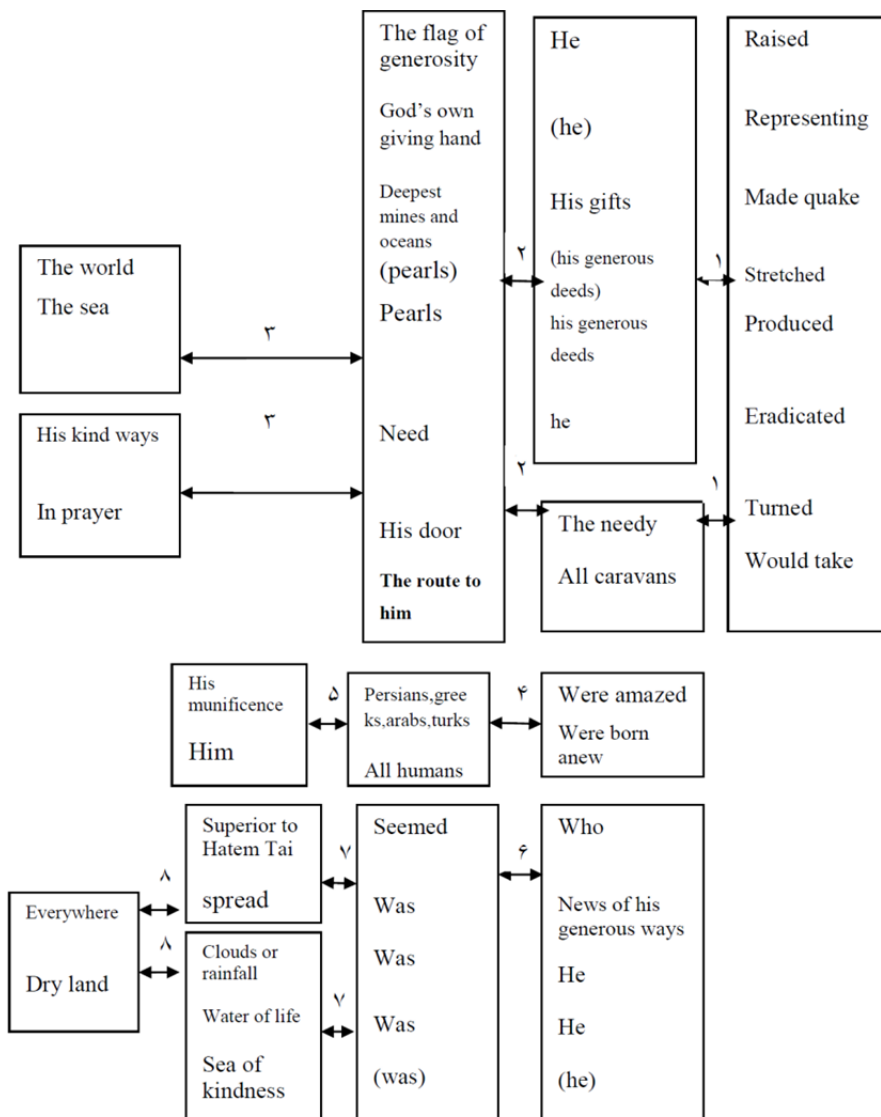
در گام بعدی این عوامل در زنجیره‌های یک‌سانی و شباهت قرار داده شدند. مثلاً، «who» در بند ۲ با «caliph» در بند ۱ و «he» در بند ۳ در زنجیره یک‌سانی قرار گرفتند، زیرا عناصر نام‌برده از نظر انسجام دستوری ارجاع در یک زنجیره‌اند. ذکر این نکته لازم است که «there is» در بند ۱ و «eyebrow raised» در بند ۱۳، به دلیل نداشتن هم‌زنجیره، در جدول یک‌سانی و شباهت شرکت نکردند. بنابراین، این عناصر جزو نمونه‌های مرتبط محاسبه نشدند و تعداد نمونه‌های مرتبط ۵۴ مورد به دست آمد. عواملی از بین کل نمونه‌ها، که جزو نمونه‌های مرتبط نبودند، نمونه‌های جنبی را تشکیل دادند و دو مورد را شامل شدند. در مرحله بعد، برای نشان‌دادن پیوستگی متن با استفاده از هماهنگی انسجامی، طبق جدول ۴، زنجیره‌هایی که حداقل دو عضو آن‌ها با دو عضو دیگر زنجیره‌های روبه‌رویی براساس گذرایی در یک فرایند قرار گرفته بودند و با یک‌دیگر ارتباط متقابل و تعامل داشتند مشخص شدند. در نتیجه، تعداد این زنجیره‌ها، یعنی نمونه‌های مرکزی، ۵۱ مورد به دست آمد. کلماتی که به صورت افقی در یک راستا هستند، براساس گذرایی، اجزای یک فرایند محسوب می‌شوند. اعداد روی پیکان‌ها نمایان‌گر رابطه این کادرها با یک‌دیگر است که در زیر به توضیح این روابط پرداخته می‌شود:

- | | |
|-------------------------|----------------------------|
| ۱. کنش‌گر - فرایند مادی | ۲. کنش‌گر - هدف |
| ۳. هدف - عنصر محیطی | ۴. رفتارگر - فرایند رفتاری |
| ۵. رفتارگر - عنصر محیطی | ۶. حامل - فرایند ربطی |
| ۷. فرایند ربطی - صفت | ۸. صفت - عنصر محیطی |

مثلاً، در بند «he raised the flag of generosity»، «he» کنش‌گر و «raised» فرایند مادی است که ارتباط آن‌ها با پیکان ۱ نشان داده شده و «the flag of generosity» هدف است که ارتباطش با «he» با پیکان ۲ نمایش داده شده است.

آن تعداد از نمونه‌های مرتبط که جزو نمونه‌های مرکزی نبودند نمونه‌های غیر مرکزی را تشکیل دادند و سه مورد را شامل شدند. درصد نمونه‌های مرتبط در مقایسه با کل نمونه‌ها، یعنی انسجام متن شعر ترجمه، ۹۶/۴ درصد و هم‌چنین درصد نمونه‌های مرکزی در مقایسه با کل نمونه‌ها، یعنی پیوستگی متن ترجمه، ۹۱ درصد به دست آمد. این درصدها نشان می‌دهند که متن ترجمه شعر درجه انسجام و پیوستگی بالایی دارد و از هماهنگی انسجامی برخوردار است.

جدول ۴. جدول پیوستگی در متن ترجمه ۳

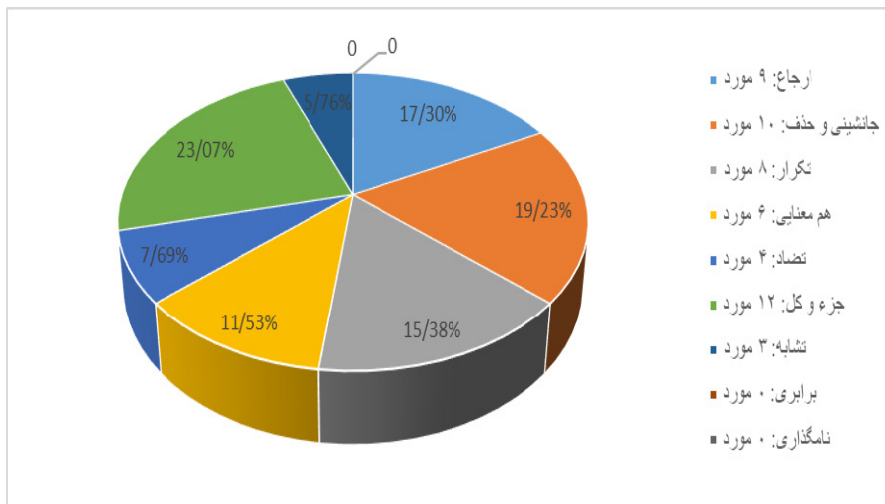


۳.۵ تحلیل مقایسه‌ای عوامل انسجامی، انسجام، پیوستگی، نمونه‌ها، و توزیع

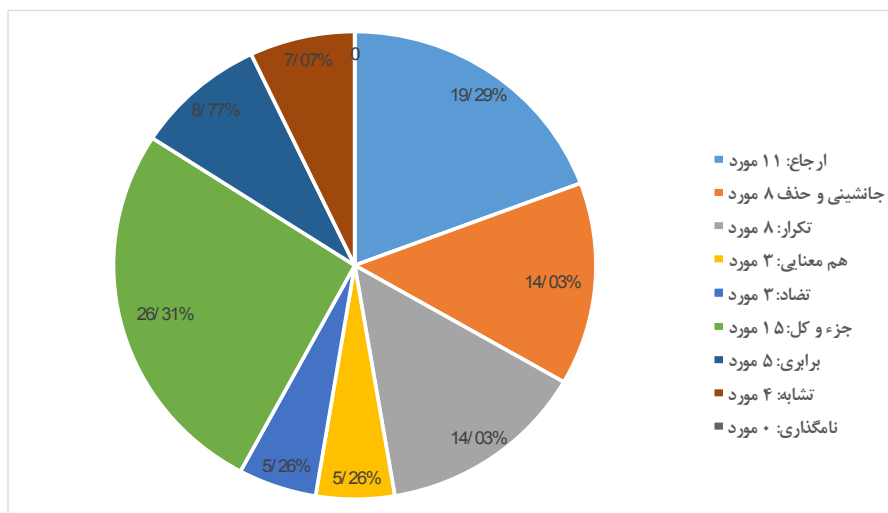
فراوانی و درصد این عوامل در متن این شعر و ترجمه انگلیسی آن

نمودارهای ۱ و ۲ خلاصه نتایج به دست آمده از جدول‌های ۱ و ۳ است:

تحلیل مقایسه‌ای شعری از مثنوی مولوی با ... (زهره آسوده و دیگران) ۲۹



نمودار ۱. فراوانی و درصد عوامل انسجایی در متن شعر مولوی



نمودار ۲. فراوانی و درصد عوامل انسجایی در متن ترجمه شعر

جدول ۵. جدول مقایسه توزیع فراوانی نمونه‌ها و درصد انسجام و پیوستگی در متن شعر و متن ترجمه

متن	کل نمونه‌ها	نمونه‌های مرتبط	نمونه‌های غیرمرتبط	نمونه‌های مرکزی	نمونه‌های غیرمرکزی	نسبت نمونه‌های مرتبط به کل نمونه‌ها: انسجام	نسبت نمونه‌های مرکزی به کل نمونه‌ها: پیوستگی
شعر مثنوی مولوی	۵۶	۵۳	۳	۵۲	۱	٪۹۴٫۶	٪۹۲٫۸
ترجمه انگلیسی شعر	۵۶	۵۴	۲	۵۱	۳	٪۹۶٫۴	٪۹۱

فراوانی کلی کاربرد عوامل انسجام دستوری در متن شعر ۳۶/۵۳ درصد و در متن ترجمه ۳۳/۳۲ درصد است. بسامد کاربرد عوامل انسجام واژگانی در متن شعر مثنوی ۱/۷ برابر بسامد عوامل دستوری است؛ در صورتی که فراوانی کاربرد عوامل انسجام واژگانی در مقایسه با عوامل انسجام دستوری در متن ترجمه دوبرابر است. درصد کلی عوامل انسجام واژگانی در متن شعر مثنوی ۶۳/۴۶ درصد و در متن ترجمه آن ۶۶/۷ درصد است. مترجم در ترجمه خود از عوامل انسجام واژگانی با درصد بالاتری در مقایسه با متن مبدأ استفاده کرده است. در میان همه عوامل انسجامی، عامل واژگانی جزء و کل در هر دو متن مبدأ و مقصد بالاترین درصد کاربرد را دارد. تعداد این عامل انسجامی در متن شعر دوازده مورد و درصد کاربرد آن ۲۳/۰۷ درصد است؛ در حالی که کاربرد عامل جزء و کل در متن ترجمه پانزده مورد و به میزان ۲۶/۳۱ درصد است. بعد از این عامل، تکرار بیش‌ترین بسامد را در بین عوامل واژگانی در هر دو متن مبدأ و مقصد به خود اختصاص داده است. بسامد تکرار در هر دو متن شعر و ترجمه آن هشت مورد و مساوی یک‌دیگر است. درصد کاربرد تکرار در متن شعر ۱۵/۳۸ درصد و در متن ترجمه ۱۴/۰۳ درصد است. عنصر انسجامی تکرار از طریق ابهام‌زدایی در متن سبب تفهیم مفاهیم در ذهن خواننده می‌شود. نقش مهم دیگر تکرار تأکید معنایی برخی واژگان در متن است. سبک نویسنده متن مبدأ با

اختصاص بسامد بالای کاربرد به عوامل جزء و کل و تکرار نشان‌دهنده به‌کارگرفتن واژه‌هایی است که با یک‌دیگر ارتباط پنهان دارند. این سبک با هدف هدایت‌بخشی و تربیتی متن نیز هماهنگ است. نزدیک‌بودن بسامد کاربرد عامل جزء و کل و یک‌سان‌بودن بسامد تکرار در دو متن اصلی و ترجمه به این معنی است که مترجم تا حدود زیادی از سبک متن اصلی پیروی کرده است. پس از تکرار، هم‌معنایی بیش‌ترین فراوانی را در متن شعر با درصد کاربرد ۱۱٫۵۳ درصد و برابری بیش‌ترین فراوانی را در متن ترجمه با میزان کاربرد ۸٫۷۷ درصد دارد. تعداد موارد کاربرد هم‌معنایی در متن شعر شش مورد و در متن ترجمه نصف آن یعنی سه مورد است؛ یعنی مترجم در متن ترجمه خود از عنصر هم‌معنایی، که از ویژگی‌های متن ادبی است، در مقایسه با متن مبدأ بهره کم‌تری برده است. به‌قول باطنی (۱۳۷۳: ۲۲۹)، گاهی اوقات، غرض از استعمال کلمات هم‌معنا گریز از تکرار یا ایجاد تنوع است، ولی گاهی برای آن است که معنی را روشن‌تر و مؤثرتر کند و در زبان فارسی تعداد زیادی از عبارات و اصطلاحات از طریق دوم ایجاد می‌شود. مترجم در متن ترجمه خود پنج مورد برابری را به‌کار برده است؛ درحالی‌که در متن شعر از این عامل انسجامی استفاده نشده است. عنصر برابری یکی از عناصر انسجام واژگانی موردی است و دو واژه‌ای که بین آن‌ها رابطه برابری برقرار است در واقع فقط در همان متن از نظر معنی و مفهوم به هم نزدیک‌اند. رابطه برابری، ضمن افزایش انسجام در متن، از طریق ابهام‌زدایی، سبب تفهیم مفاهیم در ذهن خواننده می‌شود که از بُعد آموزشی از اهمیت بالایی برخوردار است. باتوجه‌به این تعریف از رابطه برابری، به‌نظر می‌رسد مترجم سعی کرده است تا برای ابهام‌زدایی و تفهیم بهتر مطلب به مخاطب در ترجمه خود، به‌جای هم‌معنایی، از برابری بهره بگیرد. در بین عوامل انسجام واژگانی، عامل نام‌گذاری در هیچ‌یک از دو متن مبدأ و مقصد به‌کار نرفته است. کاربرد عوامل تشابه و تضاد هم، که از ویژگی‌های متون ادبی است، در دو متن نزدیک به هم است. پس از عامل جزء و کل، عوامل انسجام دستوری ارجاع و حذف بیش‌ترین بسامد را هم در متن شعر هم در متن ترجمه به خود اختصاص داده‌اند. کاربرد عنصر حذف، ضمن افزودن بر انسجام متن، با پُررنگ‌ترکردن نقش خواننده در درک این عنصر از دل‌زدگی و خستگی او می‌کاهد. شیری (۱۳۸۲: ۱۲) بر آن است که کاربرد حذف به این حقیقت اشاره دارد که اهل زبان برای ایجاد ارتباط فقط به کلمات و معنی تحت‌اللفظی آن‌ها تکیه نمی‌کنند و به تأثیر بافت و موقعیت متن نیز در انتقال معنی توجه دارند. واقعیت دیگر این است که بشر در کاربرد زبان سعی دارد تا با صرف کم‌ترین

انرژی پیام‌رسانی و انتقال معنی را انجام دهد و عنصر حذف یکی از راه‌های کاربرد اصل اقتصاد زبانی است.

با دقت در جدول توزیع فراوانی نمونه‌ها و درصد انسجام و پیوستگی، درمی‌یابیم که تعداد نمونه‌های جنبی در هر دو متن کم و نزدیک به هم است؛ هم‌چنین، برابر بودن تعداد کل نمونه‌ها در دو متن، بالا بودن تعداد نمونه‌های مرتبط و مرکزی، و نزدیک بودن تعداد موارد این نمونه‌ها در متن شعر و ترجمه و نزدیک بودن درصد انسجام و پیوستگی در متن مبدأ و ترجمه‌اش نشان‌دهنده وجود تعادل انسجامی بین متن اصلی و ترجمه آن و تبعیت مترجم از سبک متن مبدأ در ترجمه متن است.

۶. نتیجه‌گیری

دیدگاه هلیدی برجسته‌ترین نظریه نقش‌گرایی است که با الهام از بافت موقعیتی موفقیت‌هایی را در عرصه تحلیل متون کسب کرده است. در این پژوهش در چهارچوب زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و متیسن و تحلیل فرانش متنی به بررسی مقایسه‌ای کاربست عوامل انسجام متنی و میزان انسجام و پیوستگی در متون شعری از مثنوی مولوی و ترجمه انگلیسی آن از مجددی پرداخته شد تا، باتوجه‌به رویکرد نقش‌بنیاد هلیدی در ترجمه، تعادل متنی ترجمه از بُعد تعادل انسجامی بررسی شود. باتوجه‌به تحلیل‌های انجام‌شده در این پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که نظریه تکامل‌یافته انسجام هلیدی و حسن در زبان فارسی استفاده‌شده است. بررسی تطبیقی عوامل انسجام و در نتیجه انسجام و پیوستگی هم می‌تواند مثل سایر ساخت‌های مطرح در نظریه سیستمی نقش‌گرا پژوهش‌گر را به ره‌یافتی سبک‌شناختی رهنمون شود، زیرا کاربرد مدل هلیدی و تحلیل هرکدام از فرانش‌های آن می‌تواند چهارچوبی مناسب برای تحلیل متن و مقایسه متون از لحاظ سبک‌شناختی باشد. با شناخت این الگو، می‌توان آن را در متون ادبی هم به کار بست؛ کاربرد این نظریه مقایسه‌ی درجه انسجام و پیوستگی متون ادبی را از نظر کمی امکان‌پذیر خواهد کرد؛ هرچند نظریه نقش‌گرای هلیدی و مدل انسجام وی در اصل برای زبان انگلیسی مطرح شده و ممکن است کاربست برخی تمهیدات انسجامی در زبان‌های مختلف متفاوت باشد. مثلاً، حذف ضمیر فاعلی در زبان فارسی، که زبانی ضمیرانداز است، بسامد بالایی دارد و در زبانی مانند انگلیسی این‌گونه نیست. این مورد می‌تواند از کاستی‌های این نظریه باشد. به‌هرحال، هر نظریه‌ای در کنار شاخص‌های برجسته برای کاربرد مواردی از کاستی هم دارد که لازم است پژوهش‌گر در هنگام تحقیق آن‌ها را در نظر داشته و به آن‌ها آگاه باشد.

براساس مباحثی که در این پژوهش مطرح شد، می‌توان به سؤال‌های تحقیق پاسخ داد: در پاسخ به پرسش اول پژوهش مبنی بر چگونگی کاربرد انسجام و پیوستگی در متون شعر و ترجمه، می‌توان گفت درصد انسجام در متن شعر مثنوی ۹۴/۶ درصد و درصد پیوستگی در این متن ۹۲/۸ درصد است؛ در حالی که درصد انسجام در متن ترجمه ۹۶/۴ درصد و درصد پیوستگی در این متن ۹۱ درصد است. هر دو متن، از انسجام و پیوستگی بالایی برخوردارند. کاربرد عامل دستوری ارجاع در متن شعر نُه و در متن ترجمه یازده مورد، عامل دستوری جانشینی و حذف در متن شعر ده و در متن ترجمه هشت مورد، عامل واژگانی هم‌معنایی در متن شعر شش و در متن ترجمه سه مورد، عامل واژگانی تضاد در متن شعر چهار و در متن ترجمه سه مورد، عامل واژگانی جزء و کل در متن شعر دوازده و در متن ترجمه پانزده مورد، عامل واژگانی تشابه در متن شعر سه و در متن ترجمه چهار مورد به‌کار رفته‌اند. در متن شعر از عامل واژگانی برابری استفاده نشده، ولی در متن ترجمه در پنج مورد به‌کار رفته است. عامل واژگانی نام‌گذاری نیز در هیچ‌کدام از متون شعر و ترجمه کاربردی نداشته است. نتایج به‌دست آمده از نحوه توزیع و کاربست عوامل انسجام در شعر و ترجمه آن، که به‌جز در موارد عوامل برابری و هم‌معنایی بسیار نزدیک به هم‌اند، حاکی از نوعی تشابه و نزدیکی است که می‌تواند نشان‌دهنده تبعیت مترجم از سبک متن مبدأ باشد.

در پاسخ به پرسش دوم مبنی بر رابطه بین نتایج حاصل از تحلیل مقایسه‌ای انسجام و پیوستگی و موفقیت مترجم در انتقال مفاهیم در ترجمه، می‌توان گفت، با توجه به نتایج کمی پژوهش در رابطه با عوامل انسجامی و انسجام و پیوستگی در متون شعر و ترجمه، که براساس نظریه انسجام هلیدی و حسن محاسبه شد، و تحلیل مقایسه‌ای این درصدها با رویکرد تعادل نقش‌بنیاد هلیدی در ترجمه، نزدیک‌بودن این نتایج در متون شعر و ترجمه می‌تواند نشان‌دهنده نیل به تعادل متنی مرتبط با بخش غیرساختاری فرانش متنی یعنی انسجام و پیوستگی (تعادل انسجامی) و در نتیجه انتقال حداکثری معنای متنی متن مبدأ در متن ترجمه از بُعد انسجامی باشد. دیدگاه سیاق کلام هلیدی نیل هم‌زمان به تعادل در سه سطح معنی تجربی، بینافردی، و متنی را برای انتقال معنای حداکثری در متن ترجمه لازم می‌داند. از آن‌جاکه ترجمه امری بینافرهنگی است، نیل به تعادل کامل در ترجمه غیرممکن است، زیرا عوامل بسیار زیادی، از تفاوت امکانات زبانی تا تفاوت فرهنگی در زبان‌های مختلف و نیز تفاوت در خوانش‌های افراد مختلف از جمله خود مترجم یا مخاطب، در

انتقال معنای مدنظر متن مبدأ در ترجمه و نیل به تعادل موردنظر هلیدی در سطوح معنایی سه‌گانه تأثیر گذارند. نگاه ایدئال‌گرایانه این رویکرد و نیز بی‌توجهی آن به تفاوت‌های زبانی و فرهنگی بین زبان‌های مختلف از کاستی‌های آن است؛ با وجود این، تحلیل مقایسه‌ای هر کدام از فاکتورهای زبان‌شناختی مربوط به سطوح معنایی مرتبط با فرانش‌های هلیدی در متون مبدأ و ترجمه می‌تواند در تحلیل سبک یا نقد متن ترجمه از نظر انتقال معنا پژوهشی مؤثر در شاخه مطالعات ترجمه باشد. با انجام دادن چنین پژوهش‌هایی در چهارچوب این نظریه بر روی اشعار دیگری از مثنوی مولوی یا متون ادبی دیگر، می‌توان با تجمیع پیکره‌ها و کنار هم گذاشتن یافته‌های حاصل به نتایجی تعمیم‌پذیرتر و مفیدتر رسید.

پی‌نوشت‌ها

۱. جاوید مجددی زاده کابل در افغانستان و استاد دین‌شناسی دانشگاه راتگرز است. عمده شهرت او به واسطه ترجمه مثنوی مولوی به زبان انگلیسی در شش جلد است که جلد اول در ۲۰۰۴، جلد دوم در ۲۰۰۷، جلد سوم در ۲۰۱۳، و جلد چهارم در ۲۰۱۷، همگی، به‌همت انتشارات دانشگاه آکسفورد منتشر شده‌اند و دو جلد بعدی در دست ترجمه است. ترجمه‌های او جایزه گرفته‌اند.
۲. جدول‌های «عوامل انسجامی دستوری و واژگانی»، «یکسانی و شباهت»، و نیز «مقایسه توزیع فراوانی و درصد عوامل انسجامی در متن شعر و متن ترجمه» برای دو متن شعر مثنوی و ترجمه در پیوست آورده شده‌اند و در متن مقاله به توضیحات این بخش از تحلیل اکتفا شده است.

کتاب‌نامه

- امرای، محمدحسن و بهبود ناصری هرسینی (۱۳۹۵)، «نظریه انسجام هلیدی و حسن (۱۹۸۵) و کاریست آن در داستانکی روایی از مثنوی معنوی»، در: کتابچه مجموعه مقالات دومین همایش ملی متن‌پژوهی ادبی، نگاهی تازه به متون داستانی کهن، ج ۲، به‌همت محمدرضا حاج‌بابایی، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- امرای، محمدحسن، غلام‌حسین رضایی هفتاد، و محمدتقی زند وکیلی (۱۳۹۶)، «ارزیابی مقایسه‌ای انسجام در سوره علق و ترجمه آن از حداد عادل براساس نظریه هلیدی و حسن»، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، س ۷، ش ۱۶.
- ایشانی، طاهره (۱۳۸۹)، انسجام در غزل فارسی: تحلیل مقایسه‌ای چند غزل حافظ و سعدی، رساله دکتری، تهران: گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی.

تحلیل مقایسه‌ای شعرای از مثنوی مولوی با ... (زهره آسوده و دیگران) ۳۵

- ایشانی، طاهره و معصومه نعمتی قزوینی (۱۳۹۲)، «بررسی انسجام و پیوستگی در سوره صف با رویکرد زبان‌شناسی نقش‌گرا»، *مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، س ۲۷، ش ۹.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۳)، *زبان و تفکر: مجموعه مقالات زبان‌شناسی*، تهران: فرهنگ معاصر.
- خان‌جان، علی‌رضا (۱۳۹۳)، «انواع معنا در ترجمه»، *مترجم*، س ۲۳، ش ۵۵.
- زمانی، کریم (۱۳۹۸)، *شرح جامع مثنوی معنوی*، دفتر اول، تهران: اطلاعات.
- سارلی، ناصرقلی و طاهره ایشانی (۱۳۹۰)، «نظریه انسجام و هماهنگی انسجامی و کاربست آن در یک داستان کمینه فارسی: قصه نردبان»، *زبان‌پژوهی*، س ۲، ش ۴.
- شیری، علی‌اکبر (۱۳۸۲)، «عوامل انسجام در زبان فارسی»، *رشد آموزش زبان و ادب فارسی*، ش ۶۸.
- صناعتی، مرضیه (۱۳۸۶)، *مفهوم‌شناسی در واژه‌سازی زبان فارسی*، رساله دکتری، تهران: گروه زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.
- طاهری، محمد، مرتضی رزاق‌پور، محمد آهی، و حمید آقاجانی (۱۳۹۲)، «بررسی تطبیقی ترجمه‌های مثنوی»، *ادبیات تطبیقی*، س ۴، ش ۸.
- قوامی، بدریه و لیدا آذرنوا (۱۳۹۲)، «تحلیل انسجام و هماهنگی انسجامی در شعری کوتاه از شاملو»، *زبان و ادب فارسی*، س ۵، ش ۱۵.
- مصطفوی، پونه و مرضیه صنعتی (۱۳۹۵)، «بررسی سبکی یک داستان کوتاه معاصر از منظر نقش‌گرایی هلیدی»، *زبان و زبان‌شناسی*، س ۱۲، ش ۲۳.
- نعمتی قزوینی، معصومه (۱۳۹۲)، «نقدی بر ترجمه سوره بینه از طاهره صفارزاده براساس الگوی انسجام»، *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، س ۳، ش ۹.
- نعمتی قزوینی، معصومه و طاهره ایشانی (۱۳۹۴)، «مقایسه کاربست عوامل انسجام در سوره اعلی و ترجمه آن از صفارزاده»، *پژوهش‌های قرآنی*، س ۲۰، ش ۱.

Halliday, M. A. K. (1985), *An Introduction to Functional Grammar*, London: Edward Arnold.

Halliday, M. A. K. and C. M. I. M. Matthiesson (2014), *Halliday's Introduction to Functional Grammar*, New York: Routledge.

Halliday, M. A. K. and R. Hasan (1976), *Cohesion in English*, London: Longman.

Halliday, M. A. K. and R. Hasan (1989), *Language, Context and Text: Aspects of Language in a Social Semiotic Perspective*, Oxford: Oxford University Press.

Manfredi, M. (2011), "Systemic Functional Linguistics as a Tool for Translation Teaching Towards a Meaningful Practice", *Rivista Internazionale di Tecnica Della Traduzione International Journal of Translation*, no. 13.

Maulana, J. D. M. (2004), *Rumi the Masnavi Book One*, A New Translation by Jawid Mojaddedi, Oxford: Oxford University Press.

Munday, J. (2016), *Introducing Translation Studies: Theories and Applications*, New York: Routledge.

Thompson, G. (2014), *Introducing Functional Grammar*, New York: Routledge.